**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه دوم**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و سی و هشتم\_28آبان 1399**

در بحث تنبیه دوم انسداد این مبحث مطرح بود با عبارت بنده که آیا مقدمات انسداد اگر تمام شد بنا بر قول به کشف چه نتیجه ایی حاصل می شود؟

1. حجیت مطلق ظنون
2. حجیت ظن انسدادی
3. هیچ کدام بلکه فقط مراجعه می کنیم به ظنون از باب اینکه با توجه به مقدمات انسداد می گوییم احتیاط در مظنونات لازم نیست، نه اینکه حجیتی در کار باشد، نه هیچ کدام از آن دو صورت قبل نیست.

اگر احتمال اول و دوم باشد، یا مطلق ظنون طبق احتمال اول، یا ظن اطمینانی طبق احتمال دوم، می شود دلیل در مسائل فقهیه و لا یجوز الرجوع الی غیره و اگر دلیل به نام دلیل ظنی هم نبود، مرجع اصل است.

این معنای احتمال اول و دوم است.

اما در صورتی که احتمال سوم را بگیریم:

1. گاهی ظنی داریم مطابق با احتیاط، دراین جا چه دلیلی دارید که مرجع را احتیاط معرفی نکنید، به امری حجیت بدهید که ذاتا دارای حجیت نیست، مقدمات انسداد هم چنین جایی را که ظن شما موافق احتیاط باشد، نمی گیرد، پس در این جا نمی توانید بگویید ما مرجعمان ظنون است.
2. اگر ظنی که در صورت انسداد داریم مخالف احتیاط است، بله اگر عسر و حرج بود در احتیاط، به این ظن مراجعه می کنیم اما اگر عسر و حرجی نبود، چرا دست از احتیاط برداریم و به ظنون مراجعه کنیم؟ تا حدی که عسر نباشد ما به ظنون مراجعه نمی کنیم این نشد حجیت ظنون.

اگر اساسا ظنی در کار نبود شک بود، اینجا چه باید کرد؟ آیا به اصلی که در آن مسأله هست مراجعه کنیم یا احتیاط کنیم؟

حرف جلسه گذشته شیخ اعظم این بود که دلیلی نداریم در این جا به اصلی که مربوط به آن مسأله هست، مراجعه کنیم، بلکه باید احتیاط بکنیم، چون اولا در محدوده علم اجمالی به وجوب در امری بین امور، یا تحریمی بین امور، محتمل در حد 50 درصد باشد، مگر چقدر داریم که شما بگویید عسر و حرج به وجود می آید، مشکوکات 50 درصدی ها کم است، احتیاط می کنیم، چون اغلب مطائل به یک طرف ظنی هست و لو ظن شخص در 100 باشد.

ثانیا اگر شما در کنار احتیاط عمل به اصول را مطرح می کنید، اصول در هر مسأله ایی، اصول جاری در هر مسأله ایی بر دو قسم است، موافق للاحتیاط، مخالف للاحتیاط. اگر هم به اصول مراجعه کنید، و اصل موافق احتیاط باشد، که فرقی نمی کند چه بگویید احتیاط کن ابتداءً چه بگویید با توجه به این اصل احتیاط کن، مثلا اشتغال ذمه، عسر و حرجی در اثر احتیاط به وجود نمی آید.

سوم آنچه گفتیم هم در شبهه وجوبیه بود و هم در تحریمه، حال می گوییم در شبهه در تحریمیه مقتضای احتیاط ترک است، و بین الفعل که در شبهه وجوبیه مطرح می شود، و ترک که در شبهه تحریمیه مطرح می شود، فرق است، ممکن است فعل موجب عسر شود، اما ترک هرگز موجب عسر نیست، نهایتا شما در شبهه وجوبیه مرجع را اصل قرار دهید، آن هم اصلی که مخالف احتیاط است، آن بیان ما در مظنونات، این هم بیان ما در مشکوکات.

و حینئذ فلا یثبت المدعی، دیگر مدعای ما درست نمی شود، مدعا چیست؟

من حجیة الظن، و کونه دلیلا بحیث یرجع فی موارد عدمه الی الاصل، این که بگوییم الظن دلیل و حجة بنابر مقدمات انسداد، حال یا مطلق ظنون یا ظن اطمئنانی، به گونه ایی که در همه موارد باید به ظنون عمل کنیم نه احتیاط، و در آنجا که ظنی نیست، باید به اصل در آن مساله مراجعه کنیم نه احتیاط این حرف با بیان امروز جوابش واضح شد:

اولا هرگز نتیجه مقدمات انسداد حجیت و مرجعیت ظنون نیست، نهایتا در مواردی که عسر و حرج در احتیاط است به ظنون عمل می کنیم اما این یک امر طبق قاعده نیست تا به ظنون حجیت اعطا کند، ظنونی که قانون اولیه می گوید حجت نیستند، ثانیا در مشکوکات هم می گوییم احتیاط چون موارد قلیل هستند و نهایتا هم اگر صحبت از عمل به اصول در هر مسأله ای بشود میگوییم این در شبهات وجوبیه قابل تطبیق است نهایتا نه در شبهات تحریمیه که غیر موجب للعسر، پس آنچه که ثابت شد فقط و فقط طبق مقدمات انسداد یک کلمه است

**بل یثبت عدم وجوب الاحتیاط فی المظنونات** و این غیر از حجیت است و اگر احتیاط واجب نشد در مظنونات و در مشکوکات هم به احتیاط مراجعه کردیم پس جایی برای علیت قرار دادن عسر و حرج نیست، نهایتا در مواردی که شارع می گوید احتیاط لازم نیست حکمتی به نام عسر و حرج ما داریم. نه این که علت باشد و حکم دائر مدار آن بچرخد تا در مظنونات به ظن، در مشکوکات به اصل هر مساله ایی باید مراجعه کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.